

1188

۲۰۰۰

۱

۵۶۰
کوری

رساله توضیح المسائل

مطابق فتاوی

حضرت آیت الله العظمی

حاج میرزایده الله دوزدوزانی تبریزی

ویرایش دوم

دوزدوزانی تبریزی، یدا... ۱۳۱۴؛

رساله توضیح المسائل / یدا... دوزدوزانی تبریزی... تهران: تابان، ۱۳۷۹،

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۹۰-۷۲-۴ ۵۵۲ ص

چاپ پنجم: ۱۳۹۲؛

۱. احکام؛ اصول عقاید اسلام و مذهب شیعه؛ ۲. فقه جعفری - رساله عملیه.

الف. عنوان.

۲۹۱/۳۴۲۲

الف ات ۱۸۲۷ BP

فاسنام

کتاب: توضیح المسائل

حضرت آیت الله العظمی دوزدوزانی تبریزی

نوبت چاپ: شانزدهم / ۱۳۹۷، اول حلم

چاپ: آسمان

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

ناشر: حلم

بهاء: ۲۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۹۰-۷۲-۴

آدرس دفتر معظم له: قم - خیابان معلم - کوچه ۱۱ - پلاک ۳۷

۰۲۵-۳۷۱۳۳

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه:
۱۴	اصول عقائد اسلام و مذهب تشیع
۱۴	اصل اول: توحید
۱۶	صفات حق تعالی
۱۸	اصل دوم: نبوت
۱۹	اصل سوم: معاد جسمانی
۲۰	اصل چهارم: عدل
۲۱	اصل پنجم: امامت
۲۵	احکام تقصیر
۲۸	احکام طهارت
۲۸	آب مطلق و مُضاف
۲۸	۱- آب کُر
۲۹	۲- آب قلیل
۳۰	۳- آب جاری
۳۱	۴- آب باران
۳۲	۵- آب چاه
۳۲	احکام آبها
۳۴	احکام تخلی (بول و غائط کردن)
۳۶	استبراء
۳۸	مستحبات و مکروهات تخلی
۳۹	نجاسات
۳۹	۱-۲. بول و غائط
۳۹	۳. منی
۳۹	۴. مردار
۴۰	۵. خون
۴۱	۶-۷. سگ و خوک
۴۱	۸. کافر
۴۳	۹. شراب
۴۳	۱۰. قَقَاع
۴۳	۱۱-۱۲. عرق حیوان نجاستخوار و جنب از حرام
۴۴	راه ثابت شدن نجاست
۴۵	راه نجس شدن چیزهای پاک

احکام نجاسات..... ٤٦

مطهرات (پاک کننده ها)..... ٤٩

١. آب ٤٩

٢. زمین ٥٤

٣. آفتاب ٥٥

٤. استحاله ٥٦

٥. انقلاب ٥٧

٦. انتقال ٥٨

٧. اسلام ٥٨

٨. نجس ٥٩

٩. برطرف شدن عین نجاست ٦٠

١٠. اسبوی حیوان نجاستخوار ٦٠

١١. غائب شدن مسلمان ٦١

١٢. رخصت خون معارف ٦٢

احکام ظرینا ٦٣

وضو ٦٥

وضوی ارتماسی ٦٨

دعاهایی هنگام وضو گرفتن ٦٨

شرایط صحت وضو ٦٩

احکام وضو ٧٥

کارهایی که برای آنها باید وضو گرفت ٧٧

چیزهایی که وضو را باطل می کند ٧٨

احکام وضوی جبیره ٧٩

غسلهای واجب ٨٣

احکام جنابت ٨٣

کارهایی که بر جنب حرام است ٨٤

کارهایی که بر جنب مکروه است ٨٥

غسل جنابت ٨٥

غسل ترتیبی ٨٦

غسل ارتماسی ٨٧

احکام غسل کردن ٨٧

غسلهای اختصاصی زنان ٩٠

الف) استحاضه ٩٠

احکام استحاضه ٩٠

ب) حیض ٩٦

احکام حائض ٩٨

اقسام زنهای حائض ١٠١

صاحبِ عادتِ وقتیه و عددیه	۱۰۲
صاحبِ عادتِ وقتیه	۱۰۵
صاحبِ عادتِ عددیه	۱۰۶
مُضطربه	۱۰۸
مبتدئه	۱۰۸
ناسیه	۱۰۹
انائل متفقه حیض	۱۰۹
(ج) نفاس	۱۱۱
عملِ مسِ میت	۱۱۴
احکامِ مُختصر	۱۱۵
احکامِ پس از مرگ	۱۱۶
احکامِ غسل و کفن و نماز و دفنِ میت	۱۱۷
احکامِ غسلِ میت	۱۱۸
احکامِ کفنِ میت	۱۲۰
احکامِ حنوط	۱۲۲
احکامِ نمازِ میت	۱۲۳
دستورِ نمازِ میت	۱۲۵
مستحباتِ نمازِ میت	۱۲۶
احکامِ دفن	۱۲۷
مستحباتِ دفن	۱۲۸
نماز و حشت	۱۳۲
نیشِ قبر	۱۳۲
غسلهایِ مستحب	۱۳۳
تیمم	۱۳۶
مواردِ تیمم	۱۳۶
چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است	۱۴۱
طریقه تیمم	۱۴۳
احکامِ تیمم	۱۴۴
احکامِ نماز	۱۴۸
نمازهایِ واجب	۱۴۸
نمازهایِ واجبِ یومیه	۱۴۹
وقتِ نمازِ ظهر و عصر	۱۴۹
وقتِ نمازِ مغرب و عشا	۱۵۱
وقتِ نمازِ صبح	۱۵۲
احکامِ وقتِ نماز	۱۵۲
نمازهایی که باید به ترتیب خوانده شود	۱۵۶
نمازهایِ مستحب	۱۵۷

۱۵۸	وقت نافله های یومیّه
۱۵۹	چگونگی نماز غفیله
۱۵۹	احکام قبله
۱۶۱	پوشانیدن بدن در نماز
۱۶۲	لباس نماز گزار
۱۶۹	مواردی که لازم نیست بدن و لباس نماز گزار پاک باشد
۱۷۲	چیزهایی که در لباس نماز گزار مستحب است
۱۷۲	مکان نماز گزار
۱۷۶	جاهایی که نماز خواندن مستحب است
۱۷۷	جاهایی که نماز خواندن مکروه است
۱۷۸	آداب و احکام مسجد
۱۸۱	اذان و اقامه
۱۸۱	ترجمه اذان و اقامه
۱۸۵	واجبات نماز
۱۸۵	رکن نماز پنج جزء است:
۱۸۶	تکبیرة الاحرام
۱۹۰	قرائت
۱۹۶	رکوع
۱۹۹	سجود
۲۰۳	چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است
۲۰۵	مستحبات و مکروهات سجده
۲۰۶	سجده واجب قرآن
۲۰۸	تشهد
۲۰۸	سلام نماز
۲۰۹	ترتیب
۲۱۰	موالات
۲۱۰	قنوت
۲۱۱	ترجمه سوره حمد
۲۱۲	ترجمه سوره قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ
۲۱۲	ترجمه ذکر رکوع و سجود
۲۱۲	ترجمه قنوت
۲۱۳	ترجمه تسبیحات اربعه
۲۱۳	ترجمه تشهد و سلام
۲۱۳	تعقیب نماز
۲۱۴	صلوات بر پیغمبر ﷺ
۲۱۵	مبطلات نماز
۲۱۹	مکروهات نماز
۲۲۰	مواردی که می شود نماز واجب را شکست

۲۲۱	شکایات
۲۲۱	شکهای باطل
۲۲۲	شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد
۲۲۲	شک در چیزی که محل آن گذشته
۲۲۴	شک پس از سلام
۲۲۴	شک پس از وقت
۲۲۵	کنیرالشک (کسی که زیاد شک می کند)
۲۲۶	شک امام و مأوم
۲۲۶	شک در نماز مستحبی
۲۲۷	شکهای صحیح
۲۳۱	نماز احتیاط
۲۳۴	سجده سهو
۲۳۶	قضای سهو و تناسل فراموش شده
۲۳۸	کم و زیاد کردن اجزا و شرایط نماز
۲۴۰	نماز مسافر
۲۵۴	مسائل متفرقه نماز مسافر
۲۵۶	نماز قضا
۲۵۹	نماز قضای پدر که بر پسر بزرگتر واجب است
۲۶۱	نماز جماعت
۲۶۸	شرایط امام جماعت
۲۶۹	احکام جماعت
۲۷۲	کارهایی که در نماز جماعت مستحب است
۲۷۳	کارهایی که در نماز جماعت مکروه است
۲۷۴	نماز آیات
۲۷۶	طریقه نماز آیات
۲۷۸	نماز عید فطر و قربان
۲۸۱	اجیر گرفتن برای نماز
۲۸۴	احکام روزه
۲۸۴	نیت
۲۸۹	چیزهایی که روزه را باطل می کند
۲۸۸	۱ - خوردن و آشامیدن
۲۸۹	۲ - جماع (آمیزش)
۲۹۰	۳ - استمناء
۲۹۱	۴ - دروغ بستن به خدا و پیغمبر ﷺ
۲۹۲	۵ - رسانیدن غبار غلیظ به حلق
۲۹۲	۶ - فرو بردن سر در آب
۲۹۴	۷ - باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح

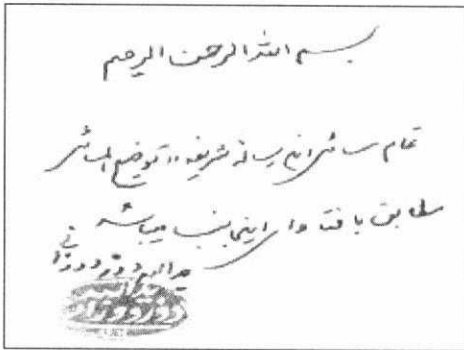
۲۹۷	۸- اماله
۲۹۷	۹- قی کردن
۲۹۸	احکام چیزهایی که روزه را باطل می کند
۳۰۰	جاهایی که قضا و کفاره واجب است
۳۰۰	کفاره روزه
۳۰۴	جاهایی که فقط قضای روزه واجب است
۳۰۶	احکام روزه قضا
۳۰۹	احکام روزه مسافر
۳۱۱	راه ثابت شدن اول ماه
۳۱۳	روزه های حرام و مکروه
۳۱۴	روزه های مستحب
۳۱۵	براردی که مستحب است انسان از مبطلات روزه خودداری نماید
۳۱۶	احکام خمس
۳۱۶	۱- منفعت خمس
۳۲۲	۲- معدن
۳۲۳	۳- گنج
۳۲۴	۴- مال حلال مخلوط به حرام
۳۲۶	۵- جواهری که به واسطه فرو رفتن در دریا به دست می آید
۳۲۷	۶- غنیمت
۳۲۷	۷- زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد
۳۲۸	مصرف خمس
۳۳۱	احکام زکات
۳۳۱	شرایط واجب شدن زکات
۳۳۲	زکات گندم و جو و خرما و کشمش
۳۳۸	نصاب طلا
۳۳۸	نصاب نقره
۳۴۰	زکات شتر و گاو و گوسفند
۳۴۰	نصاب شتر
۳۴۱	نصاب گاو
۳۴۲	نصاب گوسفند
۳۴۲	مصرف زکات
۳۴۷	شرایط کسانی که مستحق زکاتند
۳۴۸	نیت زکات
۳۵۰	مسائل متفرقه زکات
۳۵۵	زکات فطره
۳۵۸	مصرف زکات فطره
۳۵۹	مسائل زکات فطره

۳۶۱	احکام حج
۳۶۴	احکام خرید و فروش
۳۶۴	چیزهایی که هنگام خرید و فروش مستحب است
۳۶۵	معاملات مکروه
۳۶۵	معاملات حرام
۳۷۰	شرایط فروشنده و خریدار
۳۷۱	شرایط جنس و عوض آن
۳۷۳	صیغه خرید و فروش
۳۷۳	خرید و فروش میوه‌ها
۳۷۴	نقد و نسیه
۳۷۵	معامله سلف
۳۷۵	شرایط معامله سلف
۳۷۶	احکام معامله سلف
۳۷۷	فروش طلا و نقره به طلا و نقره
۳۷۸	مواردی که انسان می‌تواند معامله را به هم بزند
۳۸۲	مسائل متفرقه خرید و فروش
۳۸۲	احکام شراکت
۳۸۵	احکام صلح
۳۸۷	احکام اجاره
۳۸۹	شرایط مالی که آن را اجاره می‌دهند
۳۹۱	مسائل متفرقه اجاره
۳۹۵	احکام جعاله
۳۹۶	احکام مزارعه
۳۹۹	احکام مساقات
۴۰۲	کسانی که نمی‌توانند در مال خود تصرف کنند
۴۰۳	احکام وکالت
۴۰۵	احکام قرض
۴۰۷	احکام حواله دادن
۴۰۹	احکام رهن
۴۱۰	احکام ضامن شدن
۴۱۲	احکام کفالت
۴۱۳	احکام ودیعه (امانت)

۴۱۵.....	احکام عاریه.....
۴۱۸.....	احکام نکاح.....
۴۱۹.....	احکام عقد.....
۴۱۹.....	طریقه خواندن عقد دائم.....
۴۲۰.....	طریقه خواندن عقد غیر دائم.....
۴۲۰.....	شرایط عقد.....
۴۲۲.....	عیبهایی که به سبب آنها می شود عقد را به هم زد.....
۴۲۳.....	عده ای از زنها که ازدواج با آنان حرام است.....
۴۲۷.....	احکام عقد دائم.....
۴۲۸.....	متععه با صیغه (عقد موقت).....
۴۳۰.....	احکام نگاه کردن.....
۴۳۲.....	مسائل متفرقه زناشوئی.....
۴۳۵.....	احکام شیر دادن.....
۴۳۷.....	شرایط شیر دانی که حکمت محرم شدن است.....
۴۴۰.....	مسائل متفرقه شیر دادن.....
۴۴۲.....	احکام طلاق.....
۴۴۳.....	عده طلاق.....
۴۴۵.....	عده زنی که شوهرش مرده.....
۴۴۵.....	طلاق بائن و طلاق رجعی.....
۴۴۶.....	احکام رجوع.....
۴۴۷.....	طلاق خُلَع.....
۴۴۷.....	طلاق مُبارات.....
۴۴۸.....	احکام متفرقه طلاق.....
۴۵۰.....	احکام غصب.....
۴۵۴.....	احکام مالی که انسان پیدا می کند.....
۴۵۷.....	احکام سر بریدن و شکار کردن حیوانات.....
۴۵۸.....	طریقه سر بریدن حیوانات.....
۴۵۸.....	شرایط سر بریدن حیوانات.....
۴۵۹.....	طریقه کشتن شتر.....
۴۶۰.....	چیزهایی که موقع سر بریدن حیوانات مستحب است.....
۴۶۰.....	چیزهایی که در کشتن حیوانات مکروه است.....
۴۶۱.....	احکام شکار با اسلحه.....
۴۶۳.....	شکار کردن با سگ شکاری.....
۴۶۴.....	صید ماهی.....
۴۶۵.....	صید ملخ.....

۴۶۶	احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها.....
۴۶۷	چیزهایی که موقع غذا خوردن مستحب است.....
۴۶۸	چیزهایی که هنگام غذا خوردن مکروه است.....
۴۶۹	مستحبات آشامیدن آب.....
۴۶۹	مکروهات آشامیدن آب.....
۴۷۰	احکام نذر و عهد.....
۴۷۴	احکام قسم خوردن.....
۴۷۶	احکام وقف.....
۴۷۹	احکام وصیت.....
۴۸۵	احکام ارث.....
۴۸۵	ارث دست‌آمل.....
۴۸۷	ارث دسته دوم.....
۴۹۲	ارث دسته سوم.....
۴۹۵	ارث زن و شوهر.....
۴۹۶	احکام متفرقه ارث.....
۴۹۸	احکام حدود.....
۵۰۰	احکام دیه.....
۵۰۴	احکام اعتکاف.....
۵۰۷	امر به معروف و نهی از منکر.....
۵۱۰	جهاد.....
۵۱۱	دفاع از ناموس و جان و مال.....
۵۱۲	احکام مضاربه.....
۵۱۲	شرایط مضاربه.....
۵۱۴	مسائل متفرقه (مبتلابه).....
۵۱۸	مسائل جدید (مستحدثه).....
۵۱۸	الف: احکام بانکها.....
۵۱۹	وام و سپرده‌گذاری.....
۵۱۹	اعتبارات بانکی.....
۵۲۰	نگهداری کالا و فروش کالای متروکه.....
۵۲۱	کفالت و ضمانت بانکی.....
۵۲۲	فروش سهام.....
۵۲۳	فروش اوراق قرضه و اوراق مشارکت.....
۵۲۴	حواله‌های داخلی و خارجی.....

۵۲۵.....	جوایز بانکی
۵۲۵.....	وصول سفته
۵۲۶.....	خرید و فروش ارز
۵۲۶.....	اضافه برداشت
۵۲۷.....	خرید و فروش سفته
۵۲۸.....	اشتغال در بانک
۵۲۹.....	ضاربه بانکی
۵۳۱.....	ب: قرارداد بیمه
۵۳۲.....	ج: سرقتی
۵۳۴.....	د: احکام تشریح
۵۳۵.....	ه: احکام پیرک
۵۳۶.....	ز: تلقیح مصنوعی
۵۳۷.....	ح: احکام کنترل جمعیت
۵۳۸.....	ح: حکم خیال‌اندازی
۵۴۰.....	ط: مسائلی درباره نماز و روزه
۵۴۳.....	ی: حکم خرید و فروش برگه‌های جایزه‌دار
۵۴۴.....	زندگینامه



مقدمه:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

حمد و سپاس بی پایان پروردگاری را سزااست که جهان را به قدرت کامل خویش آفرید و برای رسیدن انسان به کمال مطلوب و سعادت، پیامبرانی مبعوث کرد و قوانینی را وضع نمود.

سلام و درود فراوان به روان پاک سفیران الهی به ویژه خاتم آنها حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و «اوصیای معصومش خصوصاً قطب دائرہ امکان حضرت بقیة الله الأعظم «حجة بن الحسن العسكري» (ارواحنا فداه).

لعن و عذاب ابدی بر کسانی باد که در طول تاریخ بشر بندگان خدا را گمراه کرده و از پیمودن راه حق مانع شده‌اند.

در گذشته عادت و رویه فقهای عظام علیهم السلام بر این بود که در اول رساله‌های عملیه خویش اصول دین و مسائل اعتقادی را به اختصار بیان می‌کردند و بر لزوم یاد گرفتن آنها تأکید می‌ورزیدند، اینک ما نیز از روش پسندیده آنان پیروی کرده و به مهم ترین مسائل اعتقادی اشاره می‌کنیم:

اصول عقائد اسلام و مذهب تشیع

دین مقدس اسلام بر سه پایه استوار است:

۱. توحید.

۲. نبوت.

۳. معاد.

این سه اصل و پایه را که مورد اتفاق همه مسلمانان است، اصول دین گویند.

مذهب شیعه امامیه بر دو اصل استوار است:

۱. عدل.

۲. امامت.

بنابراین مجموع اصول دین و مذهب پنج تا است که به هر یک اشاره می شود:

اصل اول: توحید

اعتقاد داشتن به یگانگی خدا که تمام موجودات عالم را از نیستی به هستی آورده است. باید معتقد باشیم که خدا یکی است و شریک و مثل و مانند ندارد.

این اصل، پایه و اساس تمام ادیان آسمانی است. اگر در بعضی از ادیان خلاف آن مشاهده می شود، انحرافی است که توسط گمراهان به وجود آمده است.

این اصل دو پایه دارد:

اول- جهان خدایی دارد که آن را آفریده و اداره می کند.

دوم- خدا یگانه است و شریک و مثل ندارد.

پایه اول:

بهترین راه خداشناسی و این که جهان آفریدگاری دارد، نگاه کردن به مخلوقات و آثار قدرت خداست. از دیدن آن ها انسان عاقل به وجود خالق و آفریدگار توانای حکیم پی می برد چنان که در قرآن کریم می فرماید:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (آل عمران: ۱۹۰)

«مسلماناً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز نشانه‌های روشنی برای خردمندان است».

انسان عاقل هرگز احتمال نمی‌دهد که جهان پهناور هستی، خود به خود پیدا شده است. زمین و دریاها و وسیع، این همه ستارگان و خورشید و حیوانات شگفت‌انگیز، این همه درختان و گیاهان گوناگون و بالاخره جهان عظیم هستی ممکن نیست بدون خالق باشد بلکه همه را باید آورنده‌ای دانا و فاعل مختاری است که او را خدا می‌گوییم.

پایه دوم:

خداوند یکی است و شرک ندارد. در این جا به دو دلیل بسنده می‌شود:
اول: نظم موجود در جهان هستی دلیل روشنی است که صانع و مدیر آن یکی است. اگر دوتا بود، نظم عالم بهم می‌خورد، خدا در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾ (انبیاء: ۲۲)

«اگر در آسمان و زمین جز «الله» خدایان دیگری بود، فاسد می‌شدند و نظام جهان به هم می‌خورد. پیراسته است خداوند (بروردگار عرش) از توصیفی که مشرکان جاهل می‌کنند».

این دلیل توضیحاتی دارد که در کتاب‌های اعتقادی بیان شده و در این جا مجال گفتن آن نیست.

دوم: دلیل ساده و در عین حال محکم و متینی است که امیرالمؤمنین علی (ع) در وصیت خود به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) فرمود:

﴿وَأَعْلَمَ يَا بُنَيَّ أَنَّهُ لَوْ كَانَ لِرَبِّكَ شَرِيكَ لَأَتَتْكَ رُسُلُهُ وَلَرَأَيْتَ أَثَارَ مُلْكِي وَ سُلْطَانِهِ وَلَعَرَفْتَ أَفْعَالَهُ وَ صِفَاتِهِ وَ لَكِنَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ كَمَا وَصَفَ نَفْسَهُ»^۱

«پسرم بدان که اگر پروردگارت شریکی داشت، رسولان او نیز به سوی تو می آمدند. آثار مُلک و قدرتش را می دیدی و افعال و صفاتش را می شناختی اما او خداوندی است یکتا، همان گونه که خویش را توصیف کرده است».

صفات حق تعالی

صفات خدا بر دو نوع است:

۱. ثبوتیه.

۲. سلویه.

نوع اول صفات ثبوتیه

صفات ثبوتیه نیز بر دو قسم است:

۱. صفات ذات: صفاتی که خدایند با موصوف است و عین ذات حق تعالی می باشند و از وجود او جدایی پذیر نیستند و منشأ همه آنها پنج صفت است:

قدرت، علم، حیات، ازلی و ابدی.

(الف) قدرت: خداوند، قادر و تواناست و هر کاری را صلاح بداند، انجام می دهد و از انجام هیچ کاری عاجز و ناتوان نیست و به هیچ کاری مجبور و ناچار نمی باشد.

(ب) علم: خدا عالم و داناست، یعنی به تمام موجودات و پدیده های جهان علم و احاطه دارد و چیزی از او پنهان نیست حتی از افکار و نیت های بندگانش آگاه است و در همه حال و به همه چیز احاطه دارد:

﴿لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ﴾ (سوره اعراف: ۳۸)

«به اندازه سنگینی ذره ای در آسمانها و زمین از علم او کم نخواهد شد».

(پ) حیات: خداوند زنده است و مرگ و نیستی به ذات پاکش راه ندارد زیرا که وجود غیر زنده نمی تواند منشأ پیدایش موجودات باشد، پس حیات را به همه چیز داده و باید خودش زنده باشد.

ت و ث) ازلی و ابدی است، یعنی خداوند همیشه بوده و مسبوق به عدم نیست و همیشه خواهد بود. عدم و فنا به وی راه ندارد. این دو صفت از لوازم وجود است، پس اوست اوّل و اوست آخر.

اما این که خداوند سمیع است، یعنی به شنیدنی‌ها آگاه است.

خداوند بصیر است، یعنی به دیدنی‌ها آگاه است. این دو صفات مستقلی نیستند، بلکه برگشت آن‌ها به صفت علم است.

۲. صفات فعل: قسم دوم از صفات ثبوتیه، صفات فعل است که خداوند به آن‌ها متصف می‌باشد ولی عین ذات خدا نیستند، بلکه از اوصاف فعل حق تعالی می‌باشند مانند:

۱- «مرید» یعنی کارهایش را از روی اراده و قصد انجام می‌دهد و مانند آتش نیست که در سوزاندن اراده نداشته باشد.

۲- متکلم: یعنی می‌تواند حقایق را برای دیگران اظهار کند و مقاصدش را به آنان بفهماند.

۳- رازق: یعنی خداوند روزی تمام موجودات زنده را به قدرت کامل خود می‌رساند.

۴- خالق: یعنی خدا آفریننده آسمان‌ها و زمین و آن‌چه در آن‌ها و بین آن‌هاست. خداوند عالم را غیر از این‌ها صفاتی هست که می‌شود در ردیف صفات فعل به شمار آورد ولی مقام را گنجایش نقل همه آن‌ها نیست. خدا با این صفات موصوف است، چون همه صفات کمال هستند و خداوند همه صفات کمال را دارا است.

نوع دوم: صفات سلبیه

صفاتیه که لایق مقام خداوندی نیستند و باید ذات خدا را از آن‌ها دور و پیرامون دانست و آن‌ها عبارتند از:

۱- مرکب نیست، زیرا هر مرکبی به اجزایش محتاج است و ذاتی که محتاج باشد، واجب الوجود نخواهد بود.

- ۲- جسم و عَرَض نیست، زیرا هر جسمی و عرضی احتیاج به مکان دارد و بدون آن وجود پیدا نمی کند اما خدا خالق مکانهاست و به آنها نیاز ندارد.
- ۳- مرئی (دیدنی) نیست، زیرا که فقط اجسام قابل رؤیت می باشد و چون خدا جسم نیست، مرئی نخواهد بود، نه در دنیا و نه در آخرت.
- ۴- محل حوادث نیست، یعنی حالات جسم (جوانی، پیری، بیماری، تندرستی، قوه و ناتوانی) به ذاتش راه ندارد. زیرا این گونه حوادث از آثار جسم و ماده است و چون خدا جسم نیست، این گونه حوادث بر خدا عارض نمی شود.
- ۵- شریک و یاری ندارد، زیرا شراکت لازمه احتیاج است و یا نشان عجز و ناتوانی هیچ کدام به ذات خدا راه ندارد.
- ۶- محتاج نیست، برای اداره مُلک و ملکوت و تدبیر مخلوقاتش نیازمند کسی نیست.

اصل دوم: نبوت

علم و حکمت خدا اقتضای کند که برای ارشاد و راهنمایی بشر پیامبرانی را که از خود مردم باشند، میان آنان برانگیزاند تا توسط آنان احکام و قوانین خود را - که ضامن سعادت انسان و موجب رسیدن به کمال لایق اوست - ابلاغ کند.

پیغمبران افراد برگزیده و ممتازی هستند که می توانند با خالق جهان به وسیله وحی ارتباط پیدا کرده و حقایقی را دریافت نموده و به مردم برسانند.

پیغمبران باید معصوم از گناه و خطا و اشتباه بوده و دارای معجزاتی باشند که نشانه درستی ادعای ایشان است.

از احادیث استفاده می شود خداوند یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر برای ارشاد و راهنمایی مردم فرستاده، اول آنان حضرت آدم علیه السلام و آخرشان حضرت محمد صلی الله علیه و آله بوده است.

پنج نفر آنان اولوالعزم^۱ بوده اند که در قرآن کریم به آنان اشاره شده است:

۱- یعنی پیامبرانی که دارای شریعت همگانی و کتاب آسمانی بودند.

«فاصبر كما صبر اولوالعزم من الرسل» (ای رسول) صبر کن همچنان که پیامبران اولوالعزم صبر کردند.

ایشان عبارتند از: ۱- حضرت نوح. ۲- حضرت ابراهیم. ۳- حضرت موسی. ۴- حضرت عیسی. ۵- حضرت محمد صلی الله علیه و آله.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله پایان بخش سلسله پیامبران است و پس از او پیغمبری نخواهد آمد. قرآن مجید آن حضرت را خاتم پیغمبران معرفی کرده، خاتمیت او از ضروریات دین می باشد. دلائل رسالت حضرت بسیار است و در این جا به بیان یک دلیل اکتفا می شود و آن قرآن است زیرا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با آن که درس نخوانده و از کسی خواندن و نوشتن را یاد نگرفته بود، کتابی آورد که هیچ کس نتوانست مانند آن را بیاورد.

با این که مکرر در قرآن، بشر را به آوردن مثل آن دعوت نمود، در این باره کسی نتوانست با او مبارزه کند:

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِشُرَِّهٖ مِثْلَهُ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (یونس: ۸)

«آیا آن ها می گویند: قرآن را به دروغ به خدا نسبت داده است!! بگو اگر راست می گوئید یک سوره مانند آن را بیاورید و غیر از خدا هر کس را می توانید به یاری طلبید».

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دارای معجزات زیادی بوده که در دوران حیاتش رخ داده، در کتاب های تاریخ و حدیث ثبت است و چون قرآن کریم معجزه جاویدان و سند قطعی نبوت حضرت می باشد و یگانه کتاب آسمانی است که تغییر و تحریف در آن به عمل نیامده و بدون کم و کاست در دسترس بشر قرار دارد، به آن بسنده می شود.

اصل سوم: معاد جسمانی

همه پیامبران الهی بر این مطلب اتفاق نظر دارند که زندگی انسان با مرگ پایان نمی پذیرد و پس از این جهان، جهان دیگری وجود دارد که انسان ها در آن جا جزای اعمال و کردار خود را خواهند دید.

اصل معاد و جهان پس از مرگ از باورهای ضروری تمام ادیان آسمانی است.

در معاد باید به اموری اعتقاد داشت:

۱- پس از مرگ ارواح نیکان در بهشت برزخی، بهره‌مند اما بدان در عذاب برزخی، تا روز قیامت معذب خواهند بود.

۲- معاد، جسمانی است و بعضی آیات قرآن، به صراحت می‌گویند که معاد، جسمانی خواهد بود و انسان در روز قیامت با جسم و بدن دنیایی محشور خواهد شد.

خداوند در سوره قیامت می‌فرماید:

﴿يُخَسِّبُ الْإِنْسَانُ أَنْ لَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ﴾
(قیامت: ۴)

آیا انسان می‌داند که ما استخوان‌های پوسیده او را جمع نمی‌کنیم؟! آری قادریم (حتی) سرانگشتان او را دوباره بسازیم».

۳- بهشت و نعمت‌های آن و جهنم و عذاب‌های آن و میزان و صراط و أعراف و حسابرسی نامه اعمال همه حقایق.

اصل چهارم: عدل

چهارمین رکن ایمان از نظر شیعه امامیه اعتقاد به «عدالت» خداست، یعنی خداوند به هیچ کس ظلم نمی‌کند و کاری را که عقل سالم آن را نیک و ناپسند می‌شمارد، انجام نمی‌دهد.

شیعه این موضوع را یکی از اصول عقائد مذهبی می‌داند و به‌طور مستقل از آن بحث می‌کند.

در مسأله عدل بین عدلیه (شیعه و معتزله) و بین اشاعره^۱ اختلاف است. اشاعره می‌گویند عقل ما در هیچ مورد قادر به درک حُسن و قبح (خوب و بد) نیست و در این مسأله باید فقط از قوانین آسمانی الهام گرفت که آنچه را شرع خوب معرفی کرده، خوب بدانیم و آنچه را بد معرفی کرده، بد بدانیم.

۱ - اشاعره و معتزله دو فرقه‌ی مهم از اهل تسنن می‌باشند که درباره‌ی مسائل عقیدتی با هم اختلاف نظر دارند.

در برابر این عقیده شیعه و جمعی از اهل تسنن (معتزله) معتقدند که حاکم مطلق در این گونه مسائل عقل است. عقل و خرد است که حُسن و قبح بسیاری از امور را مستقلاً درک می کند.

بنابراین عقل می گوید مجازات کردن و کیفر دادن افراد نیکوکار ظلم است و ظلم قبیح می باشد. محال است خداوند کار قبیح و برخلاف حکمت انجام دهد.

دلیل دیگر که خداوند عادل است و ظلم نمی کند: منشأ ظلم، جهل است یا احتیاج. کسی که ظلم می کند، نمی داند که کار او ظالمانه است، یا می داند ولی عاجز است و نمی تواند از راه عادلانه به خواسته خود برسد و ظلم می کند. جهل و عجز و احتیاج از صفات ممکن الوجود است و این گونه صفات به ذات خداوندی راه ندارد. در قرآن کریم می خوانیم:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ (یونس: ۴۹)

«خداوند هیچ ظلم و ستمی به مردم نمی کند و لکن مردم به جان خودشان ظلم می کنند».

خدا به وسیله پیامبران برگزیده اش مردم را از ظلم و ستم نهی کرده، چطور ممکن است خود مرتکب کاری شود که خلق را از آن نهی فرموده است؟!

اصل پنجم: امامت

پنجمین اصل از اصول دین و مذهب، امامت است. همچنان که خداوند حکیم بر خود لازم دانسته که پیامبران را مبعوث فرماید، تا مردم را از ظلم و جهالت نجات داده و به راه مستقیم هدایت کنند، همین طور لازم دانسته است برای حفظ قانون و شریعت و اجرای آن افرادی را پس از پیغمبر جانشین او قرار دهد.

امامت از نظر شیعه ستون و پایه دین است و بر خدا و پیامبر جایز نیست آن را نادیده بگیرد و دارای شرایطی است:

- ۱- امامت مقام و منصب الهی است که خداوند به هر کس بخواهد می بخشد.
- ۲- همان طور که پیغمبر را باید خدا تعیین فرماید، همچنین امام را خداوند برمی گزیند و به وسیله پیغمبر یا امام پیشین معرفی می کند. هرگز فردی از راه گزینش مردم و انتخاب اهل حل و عقد نمی تواند به مقام امامت برسد.

۳- امام باید معصوم و از گناهان کبیره و صغیره مصون باشد.

۴- امام معصوم تمام فضائل و امتیازات پیغمبر را (غیر از مقام نبوت) دارا می‌باشد و به امور رسالت و حفظ و نگهداری احکام و اجرای آن موظف است. نیز هدایت همه جانبه مردم و اصلاح امور دین و دنیای آنان را به عهده دارد.

در احادیث زیادی (که از طریق شیعه و سنی نقل شده است) حضرت رسول اکرم ﷺ اوصاف و تعداد جانشینان خود را معین فرموده، همه از قریش و اهل بیت‌اند، و حضرت مهدی موعود از ایشان و آخرین‌شان خواهد بود.

امامیه معتقدند که خداوند به پیغمبر اکرم ﷺ دستور فرمود که حضرت علی (ع) را برای جانشینی خود صریحاً به مردم معرفی کند:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ». (مائده: ۶۷)

«ای پیامبر آنچه را خدا - در مورد جانشینی علی (ع) - بر تو فرستاده، به مردم برسان. اگر این کار خودداری کنی، حق رسالت را ادا نکرده‌ای و خداوند تو را از شر مردم حفظ خواهد نمود».

حضرت رسول اکرم ﷺ پس از آن که خداوند در ابلاغ این فرمان تأکید فرمود، هنگام بازگشت از حجة الوداع در غدیر خم امامت و خلافت حضرت علی (ع) را به مردم ابلاغ کرد.

به مقتضای احادیثی که به علمای شیعه و سنی رسیده، الله دوازده تن می‌باشند، بدین ترتیب:

۱- علی بن ابیطالب (ع)

اسم: علی، لقب: امیر المؤمنین، کنیه: ابوالحسن، پدر بزرگوار: ابوطالب، مادر: فاطمه بنت اسد، ولادت با سعادت: ۱۳ رجب سال ۳۰ عام الفیل، شهادت: شب ۲۱ ماه مبارک رمضان سال چهارم ه. ق.

۲- امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام)

اسم: حسن، لقب: مجتبی، کنیه: ابو محمد اول، پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و مادرش حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، ولادتش ۱۵ ماه رمضان سال ۳ هجری، شهادتش بنابر قول مشهور ۲۸ ماه صفر سال ۵۰ ه. ق.

۳- امام حسین (علیه السلام)

اسم شریف: حسین، لقب: سید الشهداء، کنیه: ابو عبدالله، پدر بزرگوار: امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، مادر گرامیش حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، ولادت: سوم شعبان سال چهارم هجری، شهادت: مظلومانه اش در روز دهم ماه محرم الحرام سال ۶۱ ه. ق.

۴- علی بن الحسین (علیه السلام)

اسم: علی، لقب: زین العابدین، کنیه: ابو محمد، پدر: ابو عبدالله الحسین (علیه السلام)، مادر: شهربانو، ولادت: ۵ شعبان سال ۳۸ هجری، وفات: ۲۵ محرم الحرام سال ۹۵ ه. ق.

۵- محمد بن علی (علیه السلام)

اسم: محمد، لقب: باقر، کنیه: ابو جعفر، پدر: علی بن الحسین، مادر: فاطمه دختر امام حسن مجتبی (علیه السلام)، ولادت: اول ماه رجب سال ۵۷ ه. ق، وفات: هفتم ذی الحجه سال ۱۱۴ ه. ق.

۶- جعفر بن محمد (علیه السلام)

اسم: جعفر، لقب: صادق، کنیه: ابو عبدالله، پدر: امام محمد باقر (علیه السلام)، مادر: ام فروه، ولادت: ۱۷ ربیع الأول ۸۳ ه. ق، وفات: ۲۵ ماه شوال ۱۴۸ ه. ق.

۷- موسی بن جعفر (علیه السلام)

اسم مبارک: موسی، لقب: کاظم، کنیه: ابوالحسن الاول، پدر: امام جعفر صادق (علیه السلام)، مادر: حمیده، ولادت: ۷ ماه صفر سال ۱۲۸ ه. ق، شهادت مظلومانه: ۲۵ ماه رجب ۱۸۳ ه. ق.

۸- علی بن موسی الرضا (علیه السلام)

اسم شریف: علی، لقب: رضا، کنیه: ابوالحسن الثانی، پدر موسی بن جعفر (علیه السلام)، مادر: نجمه (ام البنین)، ولادت: ۱۱ ذی القعدة ۱۴۸ ه. ق، شهادت غریبانه: بنا بر قول مشهور، آخر ماه صفر سال ۲۰۳ ه. ق.

۹- محمد بن علی علیه السلام

اسم شریف: محمد، لقب: جواد، کنیه: ابوجعفر الثانی، پدر بزرگوار: علی بن موسی الرضا علیه السلام، مادر: خیزران یا سبیکه، ولادت: بنابر قول مشهور، دهم رجب ۱۹۵ هجری، شهادت مظلومانه: آخر ماه ذی القعدة ۲۲۰ هـ.ق.

۱۰- علی بن محمد الهادی علیه السلام

اسم شریف: علی، لقب: هادی، کنیه: ابوالحسن الثالث، پدر: محمد بن علی جواد علیه السلام، مادر: سمانه معروف به سیده، ولادت: نیمه ماه ذی الحجه سال ۲۱۲ هـ.ق، شهادت: ۳ رجب ۲۵۴ هـ.ق.

۱۱- حسن بن علی العسکری علیه السلام

اسم شریف: حسن، لقب: عسکری، کنیه: ابومحمد، پدر: علی بن محمد علیه السلام، مادر: حدیثه، ولادت: ۸ ربیع الثانی سال ۲۳۲ هـ.ق، وفات: ۸ ربیع الاول سال ۲۶۰ هـ.ق.

۱۲- امام المنتظر علیه السلام

اسم مبارک: محمد، لقب: مهدی و قائم، کنیه: ابوالقاسم، پدر بزرگوار: حسن، مادر: گرامی: نرگس. ولادت باسعادت: ۱۵ شعبان ۲۵۵ هـ.ق. هنگام وفات پدرش پنج سال داشت که خداوند متعال حکمت و دانش را به او عطا فرمود و حضرتش را نشانه و آیتی برای عالمیان قرار داد و درحالی که خردسال بود، به مقام و منصب امامت رسید. مدتی در زمان حیات پدرش و مدتی پس از وفات پدر در حالی که از نظر امت و مردم عادی غایب بود، چهار نماینده و عده‌ای از خواص، حضرت را زیارت می‌کردند و به مسائل آنان جواب می‌فرمود. پس از وفات نایب چهارم «علی بن محمد السمری» غیبت کبری اختیار فرمود و اکنون زنده و از نظرها غایب است تا روزی که به فرمان خدا ظهور کرده و دنیا را پر از عدل و داد نماید. چنان که خداوند وعده فرموده^۱ و جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از ولادتش خبر داده است.

۱ - «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵)